

این واژه ریشه‌ای غیر عربی دارد و در اصل آن اختلاف است.^۳ برخی آن را عبری و گروهی سریانی دانسته‌اند؛ چنان‌که تلفظ‌های مشابهی در مندایی و حبشی نیز گزارش شده‌اند.^۴ اما با توجه به ظهور متأخر این زبان‌ها نسبت به زمان حضرت ابراهیم و نیز با عنایت به اطلاعات تاریخی از سرزمین ابراهیم در جنوب عراق کنونی، باید آن را متعلق به زبان بابلی کهن شمرد. البته نخستین سند موجود از این واژه در متون عبری و به طور مشخص در عهد عتیق به چشم می‌خورد. از همین روی، عربی بودن آن نقدپذیر است و اشتقاقش از «برهمه» به معنای تیزیابی^۵ کاملاً برساخته به نظر می‌رسد. دیدگاه دیگر آن است که ابراهیم مرکب از «اب» به معنای پدر و «راهیم» به معنای رحیم است.^۶ با توجه به شواهد زبانی بر این کلمات در زبان‌های سامی قدیم و نیز عبری و سریانی، این دیدگاه پذیرفتنی به نظر می‌رسد.^۷ گروهی نیز بخش دوم را از ریشه «رام» به معنای بلند مرتبه شمرده و مجموع کلمه را به معنای پدر عالی یا

۳. نک: الصحاح، ج ۵، ص ۱۸۷؛ لسان العرب، ج ۱۲، ص ۴۸، «برهم».

۴. واژه‌های دخیل، ص ۹۹-۱۰۱.

۵. روح المعانی، ج ۳، ص ۱۱۱.

۶. الصحاح، ج ۵، ص ۱۸۷؛ لسان العرب، ج ۱۲، ص ۴۸؛ البحر المحیط، ج ۱، ص ۵۴۲.

۷. نک: واژه‌های دخیل، ص ۱۰۰-۱۰۱.

احیاء التراث العربی؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک): الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش گروهی از علماء بیروت، اعلامی، ۱۴۰۳ق؛ التحریر و التنویر: ابن عاشور (م. ۳۹۳ق.)، تونس، الدار التونسیه؛ شفاء الغرام: محمد الفاسی (م. ۸۳۲ق.)، به کوشش مصطفی محمد، مکه، مکتبة و مطبعة النهضة الحدیثه، ۱۹۹۹م؛ الفهرست: ابن ندیم (م. ۴۳۸ق.)، به کوشش رضا تجدد، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۶ش؛ لغت نامه: علی اکبر دهخدا، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ش؛ مروج الذهب: المسعودی (م. ۳۴۶ق.)، به کوشش اسعد داغر، قم، دار الهجرة، ۱۴۰۹ق؛ معجم البلدان: یاقوت الحموی (م. ۶۲۶ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۹ق.

محمد وحیدی



ابراهیم از پیامبران اولوالعزم، پدر

ادیان ابراهیمی، سازنده کعبه و بنیان‌گذار آیین حج

واژه ابراهیم با اندکی اختلاف به شکل‌های گوناگون در کتب لغت آمده و در مجموع هفت شکل به جز ابراهیم، برای آن ثبت شده است: اِبْرَاهِم، اِبْرَاهِم، اِبْرَاهِم، اِبْرَاهِم، اِبْرَاهِم، اِبْرَاهِم و اِبْرَاهِم.^۱ برخی نیز از وجود نه قرائت برای این واژه در قرآن یاد کرده‌اند.^۲

۱. المعرب، ص ۱۲؛ بصائر ذوی التمییز، ج ۶، ص ۳۲.

۲. سبل الهدی، ج ۱، ص ۳۰۶.

متعالی دانسته‌اند.^۱

حضرت ابراهیم در هر سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام و نیز ادیان همجوارشان مانند صابئه جایگاهی ویژه دارد و همگی خود را به ایشان نسبت داده‌اند و از همین رو به پدر امت‌ها معروف شده است.^۲ داستان زندگی او به تفصیل در *تورات* و قرآن آمده که دارای اشتراک فراوان و چند تفاوت است. در *تورات* با تأکید بر زندگی شخصی ابراهیم، مراحل آن از تولد تا مهاجرت از بابل و ورود به سرزمین کنعان و رخداد‌های گوناگون بعدی بیان شده است.^۳ اما در قرآن بر پایه شیوه متداولش با صرف نظر از اطلاعات شخصی و تاریخی، بر جنبه‌های مربوط به رسالت و مقام الهی او تأکید شده است؛ از جمله احتجاج با کافر زمان خود (بقره/۲، ۲۵۸)، شکستن بت‌ها (انبیاء/۲۱، ۵۸؛ صافات/۳۷، ۹۳)، رهایی از آتش و تبدیل آن به گلستان (انبیاء/۲۱، ۶۹)، نشان دادن ملکوت به وی (انعام/۶، ۷۵)، نیل به مقام امامت (بقره/۲، ۱۲۴) و عزیمت به مکه و بنای کعبه (ابراهیم/۱۴، ۳۷) که یا در *تورات* نیامده و یا به اختصار و در سیاق داستان زندگی اش به آن‌ها اشاره شده است.

در روایت‌های اسلامی به اطلاعات گسترده

۱. جوداییکا، «ابراهیم».

۲. نک: کتاب مقدس، پیدایش، ۱۶: ۵؛ تفسیر مقاتل، ج ۲، ص ۳۴۹.

۳. کتاب مقدس، پیدایش ۱۲: ۱-۲۵.

درباره زندگی شخصی ابراهیم برمی‌خوریم. همه روایت‌ها در تولد ابراهیم در سرزمین بابل، در جنوب عراق کنونی، اتفاق نظر دارند^۴ و محل دقیق آن را در پایتخت این سرزمین نزدیک شهر ناصریه کنونی دانسته‌اند که به نام بابل معروف بوده است.^۵ نیز از «کوثر ربا» نزدیک کوفه کنونی به عنوان شهر محل تولد وی یاد شده است.^۶

جنگجالی‌ترین موضوع درباره حضرت ابراهیم در روایت‌های اسلامی، آیین پدر اوست که ناشی از اختلافی کلامی درباره ضرورت موحد بودن نیاکان پیامبر تا آدم عليه السلام یا عدم ضرورت آن است. در قرآن از فردی مشرک به نام آزر با وصف «اب ابراهیم» یاد شده (انعام/۶، ۷۴) که ظاهراً پدر او بوده است. وی در روایت‌های اهل سنت به نام تارح بن ناحور یاد شده^۷ که بعد از عهده‌داری سمت خزانه‌داری نمرود^۸ لقب آزر یافت.^۹ در روایت‌های شیعی در کافی نیز نام پدر ابراهیم صریحاً آزر دانسته شده^{۱۰} که برخی از

۴. معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۸۳.

۵. عمدة القاری، ج ۱۵، ص ۳۴۰.

۶. الکافی، ج ۸، ص ۳۷۰.

۷. الطبقات، ج ۱، ص ۵۴؛ تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۲۱.

۸. تفسیر قرطبی، ج ۷، ص ۲۲.

۹. تاریخ دمشق، ج ۲۲، ص ۲۳۱؛ عمدة القاری، ج ۱، ص ۱۱۴؛

الدرا المنثور، ج ۲، ص ۲۴۷.

۱۰. الکافی، ج ۸، ص ۳۶۶.

شارحان، این روایت را تقیه دانسته‌اند؛ زیرا بر پایه روایت‌های متواتر از پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام، همه نیاکان پیامبران موحد بوده‌اند و در برخی روایت‌ها نیز به موحد بودن پدر ابراهیم تصریح شده است.^۱

◀ هجرت از بابل: موضوع هجرت

ابراهیم علیه‌السلام از سرزمین اصلی خود چند بار در قرآن گزارش شده و با تعبیرهایی گوناگون از آن یاد شده است: ﴿أَعْتَزَلُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ...﴾ (مریم/۱۹، ۴۸)، ﴿إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي...﴾ (صافات/۳۷، ۹۹)، ﴿إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَى رَبِّي...﴾ (عنکبوت/۲۹، ۲۶)، ﴿وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا...﴾ (انبیاء/۲۱، ۷۱). بنا بر روایت‌های تفسیری، مقصد این هجرت سرزمین مقدس^۲ و در گزارشی غیر مشهور، مصر بوده^۳ که با ظاهر آیه ﴿وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ﴾ (انبیاء/۲۱، ۷۱) به ضمیمه آیه ﴿إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ﴾ (اسراء/۱۷، ۱) ناسازگار است؛ هر چند در روایتی از ابن عباس، مقصد هجرت ابراهیم به دلیل وصف مکه به برکت در آیه ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا...﴾ (آل عمران/۳، ۹۶)

مکه دانسته شده است.^۴ این هجرت پس از رهایی ابراهیم از آتش^۵ و بر اساس روایت‌هایی چند، در پی تبعید وی به دست نمروود بوده است.^۶ درباره همراهان وی در این سفر تنها از لوط در قرآن نام برده شده است: ﴿وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ﴾ (انبیاء/۲۱، ۷۱) در روایت‌ها نیز از ساره همسر ابراهیم، در شمار همراهان یاد شده است.^۷

طبق روایت *تورات*، ابراهیم همراه پدرش تارح و همسرش ساره و برادرزاده‌اش لوط از اور کلدان بیرون آمد و به حران هجرت کرد و همان جا تارح درگذشت.^۸ سپس به فرمان خدا حران را به مقصد سرزمین کنعان ترک کرد.^۹ سرزمین مقدس به عنوان مقصد نهایی هجرت او یاد شده است.^{۱۰} برخی روایت‌ها، نقل *تورات* را تأیید می‌کند که بر اساس آن، ابراهیم ابتدا به حران رفت و مدتی در آن جا اقامت گزید و سپس دوباره از حران، رهسپار فلسطین شد.^{۱۱}

۴. جامع البیان، ج ۱۷، ص ۶۲؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۰۰.
 ۵. جامع البیان، ج ۱۷، ص ۶۰؛ الکافی، ج ۸، ص ۳۷۰-۳۷۱.
 ۶. الکافی، ج ۸، ص ۳۷۱؛ بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۳۹-۱۵۴.
 ۷. مجمع البیان، ج ۸، ص ۲۱؛ تفسیر قرطبی، ج ۹، ص ۳۷۰؛ قصص الانبیاء ابن کثیر، ص ۱۶۸.
 ۸. کتاب مقدس، پیدایش، ۱۱: ۳۱.
 ۹. کتاب مقدس، پیدایش، ۱۲: ۴-۵.
 ۱۰. کتاب مقدس، پیدایش، ۱۲: ۱.
 ۱۱. جامع البیان، ج ۱۷، ص ۶۱؛ تفسیر قرطبی، ج ۹، ص ۹۸؛ ج ۲۳، ص ۶۵؛ اعلام القرآن، ص ۲۳.

۱. مجمع البیان، ج ۴، ص ۹۰؛ بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۴۹؛ نور الثقلین، ج ۱، ص ۷۲۹.
 ۲. جامع البیان، ج ۲۰، ص ۱۷۴؛ الکافی، ج ۸، ص ۳۷۱؛ بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۴۵.
 ۳. الکامل، ج ۱، ص ۱۰۰.

◀ **سفر به مکه:** در قرآن، بر خلاف *تورات*، از سفر ابراهیم به مکه یاد شده که احتمالاً دست کم دو بار رخ داده است. در سفر نخست، هاجر و اسماعیل نیز همراه وی بودند و او آنان را در مکه سکنا داد. در آن زمان، مکه سرزمینی خشک و بی آب و علف بود: **﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ...﴾** (ابراهیم/۱۴، ۳۷) برخی مفسران به استناد آیه اخیر، آن سرزمین را فاقد هر نوع حیات دانسته‌اند.^۲ بر پایه روایت‌های فراوان، حضرت اسماعیل در این سفر نوزاد بوده است و ابراهیم به فرمان خداوند و همراهی جبرئیل، اسماعیل را در جایگاه کنونی حجر اسماعیل نهاد.^۳ بر اساس روایتی دیگر، پس از رسیدن به مکه و بازگشت ابراهیم، حضرت اسماعیل از شدت تشنگی به حالت مرگ افتاد تا آن که به لطف خدا، در آن سرزمین آب یافت شد و مقصد کاروان‌هایی از یمن گردید.^۴

برخی مفسران از تعبیر **﴿غَيْرِ ذِي زَرْعٍ﴾** درباره مکه (ابراهیم/۱۴، ۳۷) و نیز نیایش حضرت: **﴿رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا...﴾** (بقره/۲، ۱۲۶) برداشت کرده‌اند که هنگام ورود آنان به

سرزمین مکه، در آن مکان، شهری نبوده و سکنا یافتن اسماعیل و هاجر در آن سرزمین، زمینه‌ساز تأسیس شهر مکه شده است. اما دعای ابراهیم در آیه **﴿رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا...﴾** (ابراهیم/۱۴، ۳۵) که در آن، برخلاف آیه پیشین، بلد به صورت معرفه آمده، در سفرهای بعدی ابراهیم بوده است. همین نشان می‌دهد که به تدریج شهری در آن مکان تأسیس شده بود؛ چنان که دعای ابراهیم برای گرایش مردم به سمت این شهر: **﴿أَفْتِدَةٌ مِّنَ النَّاسِ نُحْيِي لِيهِمْ...﴾** سبب رونق مکه و اقبال مردم به حج شمرده شده است.^۵

در *تورات* از سفر ابراهیم همراه هاجر و اسماعیل یاد شده که به درخواست ساره و سپس فرمان خدا برای پذیرش درخواستش رخ داده است. بر پایه گزارش *تورات*، ساره پس از تولد اسحاق از در ناسازگاری با هاجر، مادر اسماعیل، درآمد و از ابراهیم خواست تا هاجر و اسماعیل را دور کند.^۶ ابراهیم آزرده شد؛ اما خداوند دستور داد که درخواست ساره را بپذیرد. از این روی، ابراهیم، اسماعیل و مادرش هاجر را با توشه اندک به سفر برد.^۷ به تصریح *تورات*، در این هنگام، سن ابراهیم

۱. جامع البیان، ج ۱، ص ۷۵۵؛ مجمع البیان، ج ۶، ص ۸۴.

۲. المیزان، ج ۱۲، ص ۷۷.

۳. صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۱۶؛ الکافی، ج ۴، ص ۲۰۱.

۴. الکافی، ج ۴، ص ۲۰.

۵. المیزان، ج ۱۲، ص ۶۸.

۶. حواشی الشروانی، ج ۴، ص ۶۶.

۷. کتاب مقدس، پیدایش، ۲۱: ۱۰-۱۴.

۸. کتاب مقدس، پیدایش، ۲۱: ۱۴.

از سوی دیگر، احتمال پنهان داشتن موضوع سفر به مکه و بنای کعبه، با توجه به اثبات چنین فضیلت بزرگی برای غیر بنی اسرائیل کاملاً منطقی و محتمل است. به علاوه عرب از گذشته دور تا کنون بر موضوع ساخت کعبه به دست ابراهیم اتفاق نظر داشته‌اند و با توجه به این تواتر بزرگ، احتمال دروغ بودن این امر کاملاً منتفی است.

برخی گفته‌اند: عرب از دانش و اطلاعات کافی برخوردار نبوده و نمی‌توان به اطلاعات تاریخی‌اش استناد کرد. علامه بلاغی این سخن را برخاسته از نبود اطلاع کافی و درست درباره قبایل عرب می‌داند و بر این باور است که اطلاعات عرب درباره سلسله انساب و روابط خویشاوندی و اطلاعات تاریخی مربوط به آن با توجه به کاربرد فراوانش در زندگی اجتماعی‌شان، بسیار مفصل و دقیق بوده است. با عنایت به درگیری شدید و طولانی بین عدنانیان و قحطانیان، هرگز قحطانیان در ادعای افتخار آمیز انتساب عدنانیان به اسماعیل تردید نکرده‌اند. آن‌گاه وی به استناد اطلاعات کلی و عمومی یاد شده در *تورات* درباره مکان استقرار اسماعیل ثابت می‌کند که این مکان در حجاز کنونی است و عدم ارائه اطلاعات تفصیلی می‌تواند از بیابانی بودن منطقه و نبودن مشخصات جغرافیایی شناخته شده در آن زمان مانند کوه و دریا و رود و نیز

۱۰۰ و سن اسماعیل ۱۴ سال بوده است^۱ که با گزارش قرآن ناسازگار است. داستان ظهور چشمه آب زیر پای اسماعیل در *تورات* نیز آمده^۲ که با سن نوزادی اسماعیل، و نه نوجوانی او، سازگار است.

موضوع اختلافی دیگر، مقصد هاجر و اسماعیل است. *تورات* این مقصد را بئر سبع^۳ و قرآن آن را مکه می‌داند. (ابراهیم/۱۴، ۳۷) علامه بلاغی با مطالعه تطبیقی قرآن و *تورات* در این موضوع، ثابت می‌کند که میان آن دو ناسازگاری نیست. وی بر این باور است که سفر ابراهیم به مکه از سفرهای خاص وی بوده و مانند هجرت از بابل، بازتاب عمومی نداشته و از این رو، در *تورات* انعکاس تفصیلی نیافته است. *تورات* تنها از رفتن آنان به بئر سبع یاد می‌نماید و ادامه این سفر تا مکه را انکار نمی‌کند؛ چنان که تفصیلات فراوان دیگری از زندگی ابراهیم مانند سرگذشت وی در بابل یا جزئیات سفرهایش در *تورات* نیامده است. وی سپس در پاسخ به این اعتراض که چگونه رخدادی مهم مانند رفتن به مکه و بنای کعبه در *تورات* مغفول مانده، می‌گوید: *تورات* کنونی بر نگارش سرگذشت بنی اسرائیل و نه امور مربوط به اقوام دیگر تمرکز کرده است.

۱. کتاب مقدس، پیدایش، ۲۱: ۵، ۱۷: ۱۸، ۲۴: ۲۵.

۲. کتاب مقدس، پیدایش، ۱۶: ۱۷-۱۹.

۳. کتاب مقدس، پیدایش، ۲۱: ۱۵.

شهرهای آباد بسیار و نزدیک به هم در آن حدود ناشی شده باشد.^۱

بر پایه ظاهر آیات قرآن، ابراهیم بیش از یک بار به مکه سفر کرد. در سفر نخست، فرزند نوزادش اسماعیل و هاجر را در آنجا سکونت داد (ابراهیم/۱۴، ۳۷) و در سفر دوم، کعبه را با کمک فرزند جوانش اسماعیل بنا کرد و مراسم حج را به جا آورد. (بقره/۲، ۱۲۷) اما با توجه به عدم تصریح قرآن به نوزادی اسماعیل به هنگام سفر نخست، احتمال یکی بودن هر دو سفر یاد شده پذیرفتنی است؛ چنان که با توجه به تصریح قرآن که در کهنسالی، اسماعیل به او بخشیده شد: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ...﴾ (ابراهیم/۱۴، ۳۹) و نیز سختی و درازی سفر از فلسطین به مکه، انجام سفرهای گوناگون بعید به نظر می‌رسد.

◀ **بنای کعبه:** از ظاهر برخی آیات، مانند ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ...﴾ (آل عمران/۳، ۹۶) و روایت‌های صریح برمی‌آید که کعبه قبل از ابراهیم وجود داشته و به دست حضرت آدم بنا شده است.^۲ همچنین برخی از مفسران به آیه ﴿وَ إِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ...﴾ (بقره/۲، ۱۲۷) برای اثبات وجود کعبه پیش از ابراهیم و

نقش وی در تعمیر و بازسازی آن تمسک جسته‌اند.^۳ در مقابل، برخی از مفسران پس از یادکرد روایت‌های فراوان در این زمینه، ابراهیم را بنیان‌گذار کعبه دانسته و اخبار ساخت کعبه به دست آدم را ضعیف شمرده‌اند.^۴

مقام ابراهیم در کنار کعبه نیز اثری دیگر از اوست: ﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾. (بقره/۲، ۱۲۵؛ نیز نک: آل عمران/۳، ۹۷) گفته‌اند این همان سنگی است که وی به هنگام بنای کعبه زیر پای خود نهاد. برخی نیز خود خانه کعبه را همان مقام ابراهیم دانسته‌اند.^۵

از روایت‌های فراوان برمی‌آید که مکان کعبه در آغاز برای ابراهیم مشخص نبوده و جبرئیل مکان ساختن آن را به وی آموخت.^۶ در آیات قرآن، دستور بنای کعبه به ابراهیم، صریحاً یاد نشده است؛ اما در برخی روایت‌ها که مفسران به آن‌ها تمسک کرده‌اند، آمده که خدا او را مأمور ساختن کعبه فرمود.^۷

۳. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۶۱: تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۰: حقایق التأویل، ص ۱۷۶.

۴. تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۳۹۱.

۵. جامع البیان، ج ۱، ص ۷۴۶-۷۴۷: قس: التفسیر الکبیر، ج ۴، ص ۵۴.

۶. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۶۲: مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۸۹: بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۸.

۷. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۶۱: الصافی، ج ۱، ص ۱۸۹: بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۹۹.

۱. الهدی، ج ۲، ص ۱۵۲-۱۵۸.

۲. مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۸۶: فتح الباری، ج ۶، ص ۲۹۰-۲۹۱: کنز الدقائق، ج ۱، ص ۳۳۸-۳۳۹.

فی التائین بِالْحَجِّ...» (حج/۲۲، ۲۷) او بر کوه ابوقیس ایستاد و دست بر گوش خود نهاد و فریاد برآورد: ای مردم! خدای خود را اجابت کنید. گروهی از قبیله یمنی جُرْهُم* نخستین کسانی بودند که دعوتش را اجابت کردند.^۵ در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده که این ندای ابراهیم نسل به نسل تا روز قیامت انتقال یافته^۶ و تلبیه پاسخ به این نداست.^۷

درباره چگونگی اجرای این دعوت، گزارش‌هایی مفصل در اخبار و روایت‌های تاریخی آمده است که گاه رنگ افسانه یافته و نقد پذیرند؛ به ویژه که بسیاری از آن‌ها سخنان غیر معصومان‌اند و مستند درستی ندارند؛ از جمله این که پس از فرمان حج، ابراهیم به خدا گفت: صدای من به جایی نمی‌رسد. خدا به او فرمود: وظیفه تو ابلاغ آن است. پس بر جایگاه کنونی مقام ابراهیم که به سان کوهی مرتفع بود، ایستاد و ندا داد: ای مردم! عزیمت به بیت عتیق برای ادای حج بر شما واجب است؛ پس خدای خویش را اجابت کنید. همه مردم از اطراف زمین به او پاسخ دادند. آن‌گاه ایشان با خانواده‌اش حج گزارد.^۸ در روایتی دیگر از

بر پایه روایت‌های متواتر، ابراهیم در بنای کعبه تنها نبوده و اسماعیل یاری‌اش می‌کرده و برایش آجر یا سنگ می‌آورده و ابراهیم آن را می‌ساخته است.^۱ در برخی روایت‌ها نیز از یاری فرشتگان به آنان یاد شده است.^۲ مصالح ساختمان نوعی آجر یا سنگ قرمز بوده که از پنج کوه مختلف پیرامون کعبه و بر اساس روایتی، از کوه طُوی^۱ آورده بودند.^۳

درباره کیفیت و مراحل ساخت گفته‌اند که چون دیوار کعبه به ۱۲ ذراع رسید، دو در برای آن قرار دادند: یکی برای ورود و دیگری برای خروج. دستگیره‌ای از آهن نیز بر آن دو گذاشتند. درهای کعبه برهنه بود تا آن‌گاه که اسماعیل و همسرش بر آن پرده‌ای نهادند و سپس همسر اسماعیل پیشنهاد داد که پیراهنی برای کعبه بیافند؛ زیرا دیوار آن زبر بود. ابراهیم این پیشنهاد را پذیرفت. اسماعیل نیز سققی از چوب و برگ نخل و گل برخانه خدا نهاد.^۴

◀ فراخوانی مردم به حج: پس از

ساختن کعبه، به ابراهیم فرمان داده شد که مردم را از سوی خدا به حج فراخواند: ﴿وَأَذِّنْ

۵ الکافی، ج ۴، ص ۲۰۵؛ عمدة القاری، ج ۹، ص ۱۲۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۵.

۶ علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۲۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۵.

۷ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۶؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۱۶.

۸ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۳؛ المستدرک، ج ۲، ص ۳۸۸-۳۸۹.

بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۱۶.

۱ تفسیر ثعلبی، ج ۱، ص ۲۷۴؛ المیزان، ج ۱، ص ۲۹۲؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۸۹.

۲ عمدة القاری، ج ۹، ص ۲۱۳.

۳ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۶۲؛ عمدة القاری، ج ۹، ص ۲۱۳؛ الصافی، ج ۱، ص ۱۸۹.

۴ الکافی، ج ۴، ص ۲۰۳؛ بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۰۵.

ابن عباس آمده که هنگام ابلاغ دعوت حج، کوه‌ها سر خود را فرود آوردند و آبادی‌های جهان سر برافراشتند تا صدای ابراهیم به گوش همگان برسد.^۱ در برخی تفاسیر نیز گزارش شده که خداوند فقط به کسانی اجازه شنیدن این دعوت را داد که می‌دانست آن را اجابت خواهند کرد.^۲ بر پایه روایتی دیگر، وقتی خدا به ابراهیم فرمان اعلان حج داد، وی بر سنگی ایستاد و ندای حج سرداد؛ ولی سنگ از سنگینی این دعوت تاب نیاورد و فرو ریخت.^۳

◀ حج‌گزاری ابراهیم ﷺ: از ظاهر آیات قرآن برمی‌آید که ابراهیم با مناسک حج آشنا نبوده است. از این رو، از خداوند خواست تا آن را به وی بیاموزد: ﴿... وَأَرْنَا مَنَاسِكَنَا...﴾ (بقره/۲، ۱۲۸) در بیان آنچه به ابراهیم آموخته شد، برخی مفسران از موارد زیر یاد کرده‌اند: طواف خانه خدا، سعی میان صفا و مروه، افاضه از عرفات و رمی جمرات.^۴ برخی دیگر مناسک را به معنای خود عبادت دانسته‌اند؛ نه اعمالی که با آن، عبادت انجام می‌پذیرد. در این صورت، ابراهیم درخواست یادگیری اعمال را ندارد؛ بلکه خواهان مشاهده

حقیقت عبادت است.^۵ تعبیر «آرنا» (از ریشه رؤیت) به معنای تعلیم دانسته شده است؛^۶ به گونه‌ای که یقینی و خطاناپذیر باشد.^۷ بر همین اساس، فخر رازی دو مرحله گفتاری و رفتاری برای این تعلیم شمرده است: در مرحله نخست، شیوه انجام مناسک، تشریح شد و در مرحله دوم جبرئیل همه مناسک را به طور عملی به ابراهیم ارائه داد تا وی به عرفات رسید. آن‌گاه به ابراهیم گفت: مناسکی را که به تو ارائه دادم، به درستی آموختی؟ ابراهیم گفت: آری. گفته‌اند که نام‌گذاری عرفات به معنای «مکان شناخت» از همین روست.^۸

مفسران درباره چگونگی همراهی جبرئیل با ابراهیم و اسماعیل نیز نقل‌هایی آورده‌اند. نخست جبرئیل به افراشتن پایه‌های خانه خدا (رفع القواعد) فرمان داد. سپس دست ابراهیم را گرفت و او را به صفا و بعد به مروه برد و گفت: این دو از شعائر خدایند. از آن‌جا به منا رفتند و ابلیس را نزدیک درختی ایستاده دیدند. جبرئیل تکبیر گفت و فرمان داد که به سویس سنگ پرتاب کنند. ابراهیم و اسماعیل چنین کردند. سپس ابلیس نزدیک جمره

۱. مسند احمد، ج ۱، ص ۲۹۸؛ السنن الکبری، ج ۵، ص ۱۵۴.

۲. مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۴۵.

۳. علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۲۳.

۴. التبیان، ج ۱، ص ۴۶۳.

۵. مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۹۱؛ المیزان، ج ۱، ص ۲۸۴.

۶. غریب القرآن، ص ۲۹.

۷. المیزان، ج ۱، ص ۲۸۴.

۸. التفسیر الکبیر، ج ۴، ص ۶۸-۶۹.

﴿أَرْنَا مَنَابِغَنَا﴾ می‌توان برداشت کرد که نخستین حج ابراهیم پس از ساختن خانه خدا بوده است.^۴ نیز این دیدگاه مورد تأیید کسانی است که او را بنیان‌گذار کعبه می‌دانند.^۵ با این حال در روایت‌هایی آمده که نخستین حج ابراهیم پیش از بنای کعبه بوده است.^۶ نیز بر پایه روایتی، مردم عرب پیش از عزیمت ابراهیم به مکه هم بر ویرانه خانه خدا حج می‌گزارند.^۷ البته این روایت‌های اندک با شمار بسیاری از روایت‌ها و نیز ظاهر آیات قرآنی سازگار نمی‌نماید.

◀ نسل، وفات و مزار ابراهیم :

ابراهیم در بزرگسالی از بی‌فرزندگی به پروردگار شکایت برد و خداوند به او وعده اجابت داد.^۸ آن‌گاه ساره که از ناباروری خویش آگاه بود، کنیزش هاجر را به همسری ابراهیم درآورد. آثار حمل به زودی در وی آشکار گشت و ابراهیم ۸۶ ساله بود که اسماعیل به دنیا آمد.^۹ در قرآن نیز به تولد اسماعیل در سالخوردگی ابراهیم بدون یادکرد سن او اشاره شده است. (ابراهیم/۱۴، ۳۹) اما در برخی روایت‌ها، سن ابراهیم در این هنگام

۴. تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۱۸۹؛ بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۰۰.



۵. التنبیان، ج ۱، ص ۴۶۲.

۶. الکافی، ج ۴، ص ۲۰۲-۲۰۳.

۷. الکافی، ج ۴، ص ۲۰۳؛ بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۹۴.

۸. کتاب مقدس، پیدایش، ۱۵: ۱-۴.

۹. کتاب مقدس، پیدایش، ۱۶.

وسطی ایستاد و خواست کارهایی انحرافی در حج جعل کند. باز به فرمان جبرئیل، ابراهیم و اسماعیل تکبیرگویان سنگبارانش کردند و به همین ترتیب در جمره سوم نیز به ابلیس سنگ افکندند. سپس به مشعر الحرام و از آن‌جا به عرفات رفتند. جبرئیل سه بار از ابراهیم جویا شد: آیا مناسک را به درستی آموختی؟ و ابراهیم پاسخ مثبت داد.^۱ بر پایه روایتی، جبرئیل روز هشتم ذی‌حجه (یوم الترویبه) بر ابراهیم نازل شد و به او گفت که آب برگیرند؛ زیرا در منا و عرفات آب نبود. از همین روی، آن روز را «یوم الترویبه» نامیده‌اند. سپس به منا رفتند و جبرئیل آنچه به حضرت آدم  گفته بود، به ابراهیم  نیز گفت و او انجام داد.^۲

این روایت‌ها بر مبنای قرائت مشهور از آیه ﴿أَرْنَا مَنَابِغَنَا﴾ است؛ اما در قرائتی دیگر از این آیه به نقل ابن مسعود، «أَرِهِم مَنَابِغَهُمْ» آمده است. در این صورت، منظور از ضمیر «هم» خاندان ابراهیم و دیگر مردم است و خداوند به وی فرمان می‌دهد که شیوه درست حج‌گزاری را به فرزندانش و مردم بیاموزد.^۳

در باره تعداد حج‌گزاری‌های ابراهیم، گزارشی در دست نیست؛ اما به استناد تعبیر

۱. تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۱۸۹؛ الدر المنثور، ج ۱، ص ۱۳۷.

۲. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۰۰.

۳. روح المعانی، ج ۱، ص ۳۸۵-۳۸۶.

۶۴ یا ۱۱۷ سال دانسته شده است.^۱

بر پایه گزارش تورات، خدا در ۹۹ سالگی ابراهیم با وی پیمان بست و وعده فرزندی از ساره به نام اسحاق را به او داد و اسماعیل در این هنگام ۱۳ سال داشت.^۲ قرآن نیز از میثاق خدا با ابراهیم یاد کرده است (بقره/۲، ۱۲۵؛ احزاب/۳۳، ۷) که پس از سرفرازی ابراهیم در همه آزمایش‌های خدا محقق شد و خدا او را به مقام امامت خلق رسانید و چون ابراهیم خواست که این پیشوایی به خاندان او نیز عطا شود، فرمود: عهد من به ستمکاران نمی‌رسد. (بقره/۲، ۱۲۴)

ابراهیم از طریق فرزند نخستش اسماعیل، نیای بزرگ عرب‌های عدنانی به شمار می‌رود که قریش و بنی‌هاشم و پیامبر اکرم ﷺ نیز از ایشان‌اند. او از طریق فرزند دیگرش اسحاق، نیای بنی‌اسرائیل و یهودیان است.^۳ از این رو، وی به «ابوجمهور» مکنی شده است. همچنین به گزارش تورات، ابراهیم بعد از ساره با زنی به نام قطوره ازدواج کرد^۴ که کنعانی یا عرب شمرده شده است و از او شش فرزند پدید آمد. از این فرزندان نیز قبایلی پدید آمدند که با جرهمیان در مکه می‌زیستند.^۵

بر پایه گزارش تورات، ابراهیم در ۱۷۵ سالگی پس از تقسیم اموال خود میان فرزندان درگذشت^۶ و اسماعیل و اسحاق او را کنار ساره در فلسطین به خاک سپردند.^۷ ازرقی در روایتی نادر، مدفن او را کعبه دانسته است.^۸

◀ جایگاه ابراهیم ﷺ نزد اقوام و ملل:

ابراهیم خلیل در میان پیروان ادیان توحیدی، پیشوای موحدان و پدر امت‌های یکتاپرست به شمار می‌رود. عهدین و قرآن او را الگویی تسلیم در برابر خداوند و صاحب‌الترین فضیلت‌های اخلاقی شمرده‌اند.^۹ قرآن، وی را مردی بردبار و رئوف دانسته که برای خود و دیگران آمرزش می‌طلبید (هود/۱۱، ۷۵؛ توبه/۹، ۱۱۴) و همواره فرمانبر خدا بود و فرزندان او را نیز به تسلیم در برابر حکم و مشیت پروردگار سفارش می‌کرد. (بقره/۲، ۱۳۱، ۱۳۲) خداوند او را «حنیف» یعنی رویگردان از باطل به سوی حق (نحل/۱۶، ۱۲۰؛ نکه: آل‌عمران/۳، ۱۷، ۶۸؛ نساء/۴، ۱۲۵) و نخستین مسلمان شمرده است. (انعام/۶، ۱۶۳)

۶ کتاب مقدس، پیدایش، ۲۵: ۶-۷؛ قس: تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۱۹؛ مروج الذهب، ج ۱، ص ۵۸.
۷ کتاب مقدس، پیدایش، ۲۵: ۹، ۱۱.
۸ اخبار مکه، ص ۷۳.
۹ کتاب مقدس، پیدایش، ۱۲: ۱-۳؛ قصص الانبیاء، جزائری، ص ۱۱۰.

۱. التفسیر الکبیر، ج ۱۹، ص ۱۳۸.
۲. کتاب مقدس، پیدایش، ۱۷.
۳. قاموس الکتاب المقدس، ص ۹-۱۰.
۴. کتاب مقدس، پیدایش، ۱: ۲۵؛ قس: المعارف، ص ۳۳.
۵. الطبقات، ج ۱، ص ۴۸؛ تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۱۹؛ مروج الذهب، ج ۱، ص ۵۸.

اعلمی، ۱۴۰۳ق؛ تاریخ مدینة دمشق: ابن عساکر (م. ۵۷۱ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ التبیان: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش العالمی، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ تفسیر ابن کثیر (تفسیر القرآن العظیم): ابن کثیر (م. ۷۷۴ق.)، به کوشش مرعشلی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۹ق؛ تفسیر العیاشی: العیاشی (م. ۳۲۰ق.)، به کوشش رسولی محلاتی، تهران، المکتبة العلمیة الاسلامیة؛ تفسیر القمی: القمی (م. ۳۰۷ق.)، به کوشش الجزائری، قم، دار الکتب، ۱۴۰۴ق؛ التفسیر الکبیر: الفخر الرازی (م. ۶۰۶ق.)، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۱۳ق؛ تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان): الثعلبی (م. ۴۲۷ق.)، به کوشش ابن عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق؛ تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن): القرطبی (م. ۶۷۱ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق؛ تفسیر مقاتل بن سلیمان: مقاتل بن سلیمان (م. ۱۵۰ق.)، به کوشش احمد فرید، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق؛ جامع البیان: الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش صدقی جمیل، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ حقائق التأویل: الشریف الرضی (م. ۴۰۶ق.)، با شرح کاشف الغطاء، بیروت، دار المهاجر؛ حواشی الشروانی و العبادی: الشروانی (م. ۳۰۱ق.) و العبادی (م. ۹۹۴ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ الدر المنثور: السیوطی (م. ۹۱۱ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۶۵ق؛ روح المعانی: الأکوسی (م. ۱۲۷۰ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ سبیل الیهدی: محمد بن یوسف الصالحی (م. ۹۴۲ق.)، به کوشش عادل احمد و علی محمد، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۴ق؛ السنن الکبری: البیهقی (م. ۴۵۸ق.)، بیروت، دار الفکر؛ الصافی: الفیض الکاشانی (م. ۱۰۹۱ق.)، بیروت، اعلامی، ۱۴۰۲ق؛ الصحاح: الجوهری (م. ۳۹۳ق.)، به کوشش احمد

عرب پیش از اسلام نیز ابراهیم را کاملاً می‌شناخت. تصویر یا تندیس او و اسماعیل را در خانه کعبه نهاده بودند و بر پایه روایتی، پیامبر ﷺ هنگام فتح مکه، این دو تندیس را از درون کعبه بیرون کشید و شکست. افزون بر این، آثاری پر شمار از ابراهیم و دین شامل مقامات، زیارتگاه‌ها، اندیشه‌ها و اعمال توحیدی منسوب به وی، در سراسر منطقه سامی نشین از بین النهرین تا شبه جزیره سینا یافت می‌شود که نشان تأثیر گسترده و عمیق وی در میان اقوام و امت‌ها و ملت‌های این منطقه است.^۲



◀ منابع

اخبار مکه: الازرقی (م. ۲۴۸ق.)، به کوشش رشدی الصالح، مکه، مکتبة الثقافة، ۱۴۱۵ق؛ اعلام القرآن: شبستری، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۷۹ش؛ بحار الانوار: المجلسی (م. ۱۱۱۰ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق؛ البحر المحیط: ابوحیان الاندلسی (م. ۷۵۴ق.)، به کوشش عادل احمد و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق؛ بصائر ذوی التمییز: الفیروز آبادی (م. ۸۱۷ق.)، به کوشش محمد علی، بیروت، المکتبة العلمیة؛ تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش عمر عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۰ق؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک): الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت،

۱. صحیح البخاری، ج ۵، ص ۹۳؛ فتح الباری، ج ۸، ص ۱۴.

۲. العرب و اليهود، ص ۲۵۱، ۲۵۶.

الطار، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ق؛
صحیح البخاری: البخاری (م. ۲۵۶ق.)، بیروت، دار
 الفکر، ۱۴۰۱ق؛ **الطبقات الكبرى**: ابن سعد
 (م. ۲۳۰ق.)، بیروت، دار صادر؛ **العرب و اليهود فی
 التاريخ**: احمد سوسه، دمشق، ۱۹۷۲م؛ **علل
 الشرايع**: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش بحر
 العلوم، نجف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۵ق؛ **عمدة
 القاری: العینی** (م. ۸۵۵ق.)، بیروت، دار احیاء
 التراث العربی؛ **غریب القرآن الکریم: الطریحی**
 (م. ۱۰۸۵ق.)، به کوشش محمد کاظم، قم،
 زاهدی؛ **فتح الباری**: ابن حجر العسقلانی
 (م. ۸۵۲ق.)، بیروت، دار المعرفه؛ **قاموس الكتاب
 المقدس**: بطرس عبدالملک و دیگران، قاهره، دار
 الثقافه، ۱۹۹۴م؛ **قصص الانبياء**: ابن کثیر
 (م. ۷۷۴ق.)، به کوشش مصطفی عبدالواحد، دار
 الکتب الحیدیه، ۱۳۸۸ق؛ **قصص الانبياء:**
 الجزائری (م. ۱۱۱۲ق.)، قم، الشریف الرضی؛
الکافی: الکلینی (م. ۳۲۹ق.)، به کوشش غفاری،
 تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ **الکامل
 فی التاريخ**: ابن اثیر علی بن محمد الجزری
 (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ **کتاب
 مقدس**: ترجمه: فاضل خان همدانی، ویلیام گلن،
 هنری مرتن، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰ش؛ **کنز
 الدقایق: المشهدی** (م. ۱۱۲۵ق.)، به کوشش
 درگاهی، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۱۱ق؛ **لسان
 العرب**: ابن منظور (م. ۷۱۱ق.)، قم، ادب الحوزه،
 ۱۴۰۵ق؛ **مجمع البیان: الطبرسی** (م. ۵۴۸ق.)، به
 کوشش گروهی از علما، بیروت، اعلمی، ۱۴۱۵ق؛
مروج الذهب: المسعودی (م. ۳۴۶ق.)، به کوشش
 اسعد داغر، قم، دار الهجره، ۱۴۰۹ق؛ **المستدرک
 علی الصحیحین: الحاکم النیشابوری** (م. ۴۰۵ق.)،
 به کوشش مرعشلی، بیروت، دار المعرفه،
 ۱۴۰۶ق؛ **مسند احمد: احمد بن حنبل**
 (م. ۲۴۱ق.)، بیروت، دار صادر؛ **المعارف: ابن
 قتیبه** (م. ۲۷۶ق.)، به کوشش ثروت عکاشه، قم،


شریف رضی، ۱۳۷۳ش؛ **معجم البلدان**: یاقوت
 الحموی (م. ۲۶۶ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛
المعرب من الکلام الاعجمی: الجوالیقی
 (م. ۵۴۰ق.)، به کوشش خلیل عمران، بیروت، دار
 الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق؛ **من لایحضره الفقیه:**
 الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر
 اسلامی، ۱۴۰۴ق؛ **المیزان: الطباطبایی**
 (م. ۱۴۰۲ق.)، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۳ق؛ **نور
 الثقلین: العروسی الحویزی** (م. ۱۱۱۲ق.)، به
 کوشش رسولی محلاتی، اسماعیلیان، ۱۳۷۳ش؛
واژه های دخیل در قرآن مجید: آر تور جفری،
 ترجمه: بدره ای، توس، ۱۳۷۲ش؛ **وسائل الشیعه:
 الحر العاملی** (م. ۱۰۴ق.)، قم، آل البیت 
 ۱۴۱۲ق؛ **الهدی الی دین المصطفی **: البلاغی
 (م. ۱۳۵۲ق.)، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۵ق.




Judaica, Letterpress Enterprises,
 Jerusalem, ۱۹۹۶.

علی شیخ



ابراهیم بن محمد : فرزند رسول

خدا  مدفون در بقیع

ابراهیم فرزند رسول خدا  و مادرش
 ماریه قبطیه*، کنیزی بود که مَقْوَس، حاکم
 اسکندریه، در سال ششم ق. به پیامبر اکرم 
 هدیه کرد.^۱ ماریه کنیزی سفید و زیباروی و
 مورد علاقه رسول خدا  بود^۲ و پس از اسلام

۱. السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۲۳؛ المعارف، ص ۱۴۳؛ الاستیعاب، ج ۱،
 ص ۵۴.
 ۲. الطبقات، ج ۱، ص ۱۰۷.